

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سخنرانی : امیلکار کابرال
فرستنده : یوسف فرهادی
۰۱ جون ۲۰۲۵

آزادی ملی و فرهنگ بخش پنجم



این موضوع که ویژگی اکثریت روشنفکران استعمارزده است، با افزایش مزایای اجتماعی گروه جذب شده بیگانه شده، استحکام می یابد.

و این دلیل مستقیم رفتار یک تن از افراد این گروه نسبت به جنبش آزادیبخش است.

بنابراین یک دگرگونی افکار یک تغییر نظام فکری ضروری است تا خلق را به طور واقعی با جنبش آزادیبخش یکی گرداند چنین تغییری – افریقائیزه شدن مجدد – در مورد ما ممکن است قبل از مبارزه صورت گیرد، لکن تنها در جریان نبرد، در خلال تماس مستقیم با توده های خلق و شرکت در قربانی های لازم برای این مبارزه کامل خواهد شد. در مواجهه با چشم انداز استقلال باید این حقیقت را به حساب آورد که جاه طلبی و فرصت طلبی، که معمولاً جنبش های آزادی از آن رنج می برند، ممکن است افراد ناشایستی را به داخل جنبش بکشاند.

اینگونه افراد بر اساس سطح آموزش، دانش علمی یا تکنیکی شان، و بدون از دست دادن پایگاه طبقاتی شان ممکن است به عالی ترین مدارج در جنبش آزادیبخش دست یابند.

بنابراین هوشیاری و مراقبت در زمینه فرهنگی نیز همچون زمینه سیاسی ضروری است زیرا در جنبش آزادیبخش هم نظیر هر جای دیگر می توان گفت که هر گردی گردو [چار مغز] نیست: رهبران سیاسی حتی مشهورترین آنها ممکن از نظر فرهنگی آدم های بیگانه شده ای باشند ویژگی های طبقاتی فرهنگ اجتماعی حتی در رفتار گروه های ممتاز مناطق

روستائی قابل مشاهده است به ویژه در مورد گروه های نژادی که از یک ساخت اجتماعی عمودی برخوردارند، که در آن جذب یا تأثیرات بیگانگی فرهنگی وجود ندارد.

مثلاً این مطلب در مورد طبقه حاکم جامعه "فولا" صدق میکند.

در تحت استیلای استعمار، قدرت سیاسی این طبقه (روسای سنتی، خانواده های نجبا، رهبران مذهبی) صرفاً تشریفاتی است و توده های خلق می دانند که قدرت واقعی در دست مدیران استعمارگر است و توسط آنها اجراء می شود. لکن در هر حال طبقه حاکم اساساً اتوریتته فرهنگی اش را بر توده ها نگاه می دارد، این مسأله نتایج سیاسی مهمی در بر دارد.

با شناخت این واقعیت، استعمارگران که هر گونه فعالیت چشمگیر توده های مردم را در پائین هرم اجتماعی ممنوع و یا سرکوب می نمایند سعی می کنند تا اعتبار و نفوذ فرهنگی طبقه حاکم رأس این هرم را تقویت و تحکیم نمایند. استعمارگران روستائی را به کار می گمارند که مدافع آنها و تا اندازه ای هم توسط توده ها قابل قبول باشد؛ استعمار برای این رؤسا مزایای مادی قائل می شود، مانند تحصیل فرزندان ارشد شان، پستهای ریاستی می تراشد که قبلاً وجود نداشته است روابط صمیمانه با رهبران مذهبی ایجاد می کند، مسجد می سازد، کاروان حج ترتیب می دهد و غیره. و بالاتر از همه به توسط ارگان های سرکوب اداره استعماری مزایای اجتماعی و اقتصادی طبقه حاکم را در رابطه با توده ها تضمین می نماید.

معهداً با وجود همه این کارها، در میان طبقات حاکم افراد یا گروهائی ممکن است یافت شوند که به جنبش آزادی بپیوندند، گرچه بسی کمتر از خرده بورژوازی. رهبران مذهبی و سنتی مختلف در آغاز یا جریان تکامل مبارزه به آن می پیوندند و سهم شایانی در ایجاد هواخواه برای آرمان آزادی دارند.

لکن اینجا نیز مراقبت ضروری است: اینگونه افراد با حفظ پیش داورى ها و تعصبات فرهنگی عمیق شان معمولاً جنبش آزادی را فقط وسیله خوبی می دانند که با استفاده از قربانی های توده ها، ستم استعماری را از طبقه خودشان قطع کنند و بدین گونه حاکمیت فرهنگی و سیاسی کامل خود را بر خلق مستقر سازند.